

درباره ی انقلاب آلمان

سخنرانی برای کارگران فلزکار مسکو

صحبت از وضعیت بین المللی در حال حاضر، مسئولیتی بس سترگ است، چرا که ما هفته ها و ماه هایی را پشت سر می گذاریم که در تاریخ بشریت، تنها یک بار در هر هزار سال رخ می دهند.

پنج سال پیش و اکنون

انقلاب پیرومند پنج سال پیش آلمان، درستی امیدهایی را که طبقه ی کارگر آلمان به آن بسته بود، نشان نداده است. سوسیال دموکرات هایی که در آن موقع کارگران را رهبری می کردند، ابتدا قدرت را با بورژوازی سهیم شدند، و سپس به طور کامل قدرت را به آن ها واگذار کردند. آلمان اکنون با یک انتخاب روبروست: سقوط کامل یا یک انقلاب اجتماعی.

شرایط به انجام رساندن یک انقلاب چیست؟ ضروری است که توسعه ی اقتصادی، تکنیکی و طبقاتی کشور به اندازه ی کافی نُضج یافته باشد. این دو شرط نخست، به وضوح محقق شده اند. حتی در ارتباط با شرط سوم هم آلمان به این موقعیت رسیده است. در آن جا طبقه ی کارگر وسیعی را می بینیم که شمارش به پانزده میلیون نفر از کل جمعیت شصت میلیونی می رسد؛ طبقه ی کارگری که بیش از پیش خود را از رهبران سوسیال-پاسیفیست رها می سازد

و به حزب کمونیست می پیوندند. هر کسی طبیعتاً می پرسد: این حزب هنوز بسیار جوان است، آیا نیرو و عزم کافی برای اراده به انجام یک انقلاب را دارد؟ و می داند که چگونه آن را انجام دهد؟

شرایط مطلوب

شرایط عملاً در بالاترین سطح مطلوب است. طبقه ی کارگر آلمان آماده ی مبارزه است، و در رأس آن یک حزب قرار دارد که آماده ی نبرد و غلبه است. در حال حاضر، طبقه ی کارگر چشم انتظار است. می فهمد که این نه مسأله ی مبارزات جزئی، که نبرد تعیین کننده ی مرگ و زندگی است.

اخیراً شاهد رشد ماه به ماه نیروی حزب کمونیست آلمان و جذب توده ی کارگران غیر حزبی و حتی گروه های همچنان زیر نفوذ سوسیال دموکراسی به صفوف آن بوده ایم.

موقعیت فعلی در آلمان چیست؟ ما در حال حاضر دو نیرو را در آلمان می بینیم. در یک سو، توده های انقلابی، و در سوی دیگر، فاشیست ها؛ بین این دو، توده ی بی شکلی از خرده مالکان و بعضاً حتی توده ی پرنوسان سوسیال دموکراسی را می یابیم. اما این توده ی میانی ذره ذره با موج انقلابی پاک می شود.

چه فرصت هایی در مبارزه ی پیش رو وجود دارد؟

نیروهای متعارض

نیروهای بورژوازی آلمان عبارتند از: «وزارت دفاع رایش» (Reichswehr) با ۱۰۰ هزار نفر در کل؛ پلیس، با ۱۳۵ هزار نفر؛ و گردان های فاشیستی با

سازماندهی خوب و رهبران عالی، اما این مورد آخر اساساً از عناصر طبقه ی کارگر شکل گرفته است که در لحظه ی تعیین کننده، حمایت به طور اخص محکمی از بورژوازی نخواهند کرد.

در جبهه ی انقلابی، «سده های سرخ» بی شمار قرار دارند. تعداد آن ها را نمی دانیم، اما می دانیم که کارگران آلمان نیروهایی کافی را برای درهم شکستن دشمنانشان تحت فرمان دارند.

در هر جبهه، آهنگ رویدادها روز به روز و ساعت به ساعت تند تر می شود. رویدادهای به همان ترتیب که پیش بینی شده اند، تحول می یابند و توده ها هر فرصتی را برای درک آن چه رخ می دهد در اختیار دارند. ما به دوره ی مبارزه ی آشکار نزدیک شده ایم.

مداخله ی متفقین

همسنگان آلمان، عبارتند از فرانسه، بلژیک، لهستان، چکسلواکی و (از دریا) انگلستان.

تا جایی که به انگلستان بازمی گردد، اگر نیروهایی تحت فرمان داشت، قطعاً آن ها را به نبرد علیه انقلاب می کشاند. اما انگلستان تنها در لشکر پیاده نظام نیرومند است. در سطح قاره، انگلسان همواره با عدم توفیق عمل کرد. اولتیماتوم اخیر «کرزن» را به یاد می آوریم. ما اسکادران هوایی جدید خود را «اولتیماتوم» نامیده ایم (تشویق حضار). اگر انقلاب قرار بود در دریای آزاد رخ دهد، در آن صورت انگلستان با خطر بیش تری ما را تهدید می کرد (خنده ی حضار)، اما انقلاب روی زمین خشک رخ خواهد داد.

اکنون به فرانسه بازگردیم. اگر فرانسه به اندازه ی کافی دیوانه می بود که کل قلمرو آلمان انقلابی را اشغال کند، دست کم بین ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار سرباز نیاز می داشت- که رقمی ناممکن است. شمار ارتش فرانسه، ۷۰۰ هزار نفر است. اگر یک میلیون کارگران و دهقانان دیگر بسیج می شدند، اسفناک ترین پیامدها را برای فرانسه ی بورژوایی دربر می داشت. با این حال، اعتقاد ندارم که حتی این هم کاملاً غیر ممکن باشد، چرا که هیچ نوع دیوانگی نیست که بورژوازی در ساعت مرگ خود قادر به انجامش نباشد.

هشدار به لهستان

لهستان هم به زحمت جرأت می کند علیه آلمان پیشروی کند. زمانی بود که لهستان پشت دروازه های مسکو قرار داشت و آلمان شاید حتی موقعیت مشابهی را تجربه کند. اما، تا جایی که با ما برمی گردد، کارگران خواهند دانست که چگونه خود را آزاد کنند.

مسأله ی لهستان نه فقط برای کارگران آلمان، که برای من و شما هم جالب است، و ضروری است که سریعاً به آن برخورد کنیم. برخی رفقای عجول می گویند که جنگ با لهستان اجتناب ناپذیر است. اعتقادی به این ندارم. برعکس، حقایق زیادی دال بر این نتیجه هستند که جنگی با لهستان درکار نخواهد بود. و چرا باید جنگ کنیم؟ ما خواهان جنگ نیستیم، و این را بدون درنظر گرفتن تأثیرش در خارج اعلام می کنیم. ما باید هرکاری را برای اجتناب از جنگ انجام دهیم و انجام هم خواهیم داد.

جنگ، معادله ای است با مجهولات بسیار. مادام که پیروزی در آلمان مد نظر باشد، کمک به آلمان ضرورتی ندارد. انقلابی که نتواند با بورژوازی خود برخورد کند، انقلابی ضعیف است. انقلاب آلمان نیازمند کمک فیزیکی نیست. لهستان می تواند بین ما و آلمان یا پُل باشد یا یک مانع. ما نیازمند تسهیلات ترابری مستقیم به آلمان هستیم. اگر لهستان به عنوان پل عمل کند، بهای آن را نقداً پرداخت خواهیم کرد. اگر لهستان بخواهد مانع باشد، با دردسر روبرو می شود.

لئون تروتسکی

نخستین انتشار: پرآودا، ۲۱ اکتبر ۱۹۲۳

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳